

# پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹

No. 26, Spring & Summer 2020

صص ۲۸۵ (مقاله پژوهشی)

## پیوستگی های شبکه ای سور اذائیه مکی

نسرین الیاسی فر<sup>۱</sup>، عبدالمجید طالب تاش<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۲/۱۴)

### چکیده

چینش آیات در سور قرآن، همجواری سوره ها، و تناسب میان سوره های هم گروه، همواره یکی از مباحث مهم علوم قرآنی بوده است که با عناوینی چون نظم آیات و تناسب سور مطرح است. تعبیر پیوستگی شبکه ای سوره های قرآن اصطلاح جدیدی است که از ارتباط ساختاری و محتوایی میان سوره ها سخن می گوید. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی پیوستگی های شبکه ای سوره های اذائیه مکی "الواقعه، التکویر، الانفطار، الانشقاق و الزلزال" را در دو جنبه تناسب ساختاری و محتوایی مورد بررسی قرار داده است. پژوهش بدست داده است که این سور دارای پیوستگی های ساختاری و ادبی شامل حسن آغاز، سجع، تشبیه، تصویرپردازی های ادبی، لحن و ریتم مشترک هستند که همه آن ها را در یک گروه ساختاری جای می دهد؛ همچنین تحقیق بدست داده است که این سور دارای پیوستگی های محتوایی شامل توحید ربوبی، ذکر حوادث قیامت، گروه بندی انسان ها در قیامت و غرض مشترک هستند. بررسی ساختاری و محتوایی حاکی از آن است که سور اذائیه مکی همگی از نظم آهنگ مشابه برخوردارند و دارای آیات نظیر از جهت شکلی و محتوایی هستند که پیوستگی شبکه ای آن ها را تقویت می کند.

کلید واژه ها: پیوستگی شبکه ای، سور اذائیه، سور مکی، همبستگی ساختاری، همبستگی محتوایی

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)؛

talebtash@yahoo.com

## ۱- بیان مساله

قرآن دارای اسلوب متنوعی در بیان موضوعات است و درعین‌اینکه به تدریج نازل شده و از موضوعی به موضوعی دیگر می‌پردازد ارتباط و پیوستگی بی‌نظیری در میان آیات آن وجود دارد. این پیوستگی و هماهنگی در هر سوره‌ای از قرآن نمایان است. همچنین با نگرش به سوره‌ها از منظر پیوستگی و تناسبشان با یکدیگر در مسیر رساندن انسانها به مقصدی یکسان می‌توان آنها را سرشار از آثار هدایتی فراوان یافت. در پی بهره‌مندی از قرآن و حقایق عظیمش، مدخل‌های گوناگونی همچون علوم تفسیر و علوم قرآنی با همه شاخه‌های خود، وجه تمسک عالمان به قرآن بوده و هست. یکی از مهمترین و کارآمدترین علوم در بهره‌مندی از این بحر عمیق علم تناسبات میان آیات و سوره‌ها است. تناسب آیات و سوره‌ها از جمله مباحث علوم قرآنی است که به وجود پیوند و ارتباط میان آیات و اتصال و پیوستگی بین سوره‌ها می‌پردازد. افرادی مانند ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ق) و عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱ق) از نخستین کسانی هستند که نظم موجود میان آیات قرآن را دلیلی بر اعجاز قرآن دانسته‌اند و در مراحل بعد مفسران و علمی علوم قرآنی از تناسب میان یک آیه، آیات یک سوره، سوره‌های همجوار و یا گروهی از سوره‌ها سخن به میان آورده‌اند. این مبحث در آثار افرادی چون زمخشری در الکشاف الحقائق غوامض التنزیل، فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب، ابو حیان اندلسی در البحر المحیط فی التفسیر، آلوسی در تفسیر روح المعانی و دیگران دنبال شد. برخی از مفسران همچون سیوطی و علامه طباطبایی معتقدند سوره‌هایی که دارای فواتح یکسان و مشابه هستند، از مضامین مشابه نیز برخوردارند؛ زیرا احتمال تناسب میان این نوع سوره‌ها با یکدیگر بیش از سوره دیگری است که چنین ارتباطی با هم ندارند. اما افزون بر تلاش‌های برشمرده، برخی از مفسران و علمای علوم قرآنی از تناسب فراتری با عنوان پیوستگی‌های شبکه‌ای میان برخی سوره‌ها سخن گفته‌اند. مقصود از پیوستگی‌های شبکه‌ای، نوعی خاص از تناسب است

که از ارتباط ساختاری و محتوایی میان دو یا چند سوره هم‌گروه خبر می‌دهد. انواع پیوستگی‌های شبکه‌ای میان برخی سوره‌های قرآن کریم، شامل تناسب مضمونی، تناسب میان مجموعه‌ای، تناسب آغاز سوره بعد با پایان سوره قبل، تناسب دو سوره پیاپی در شروع یا پایان، نظایر آیات، سجع، سیاق، غرض مشترک، موضوع مشترک و واژگان کلیدی می‌باشد. این مقاله بر اساس عوامل پیوستگی ذکر شده، تلاش کرده است پیوستگی شبکه‌ای میان سوره‌های مکی را مورد بررسی قرار دهد. تا کنون به طور مستقل پژوهشی در زمینه تناسب آیات سوره‌های مکی صورت نگرفته است.<sup>۱</sup> این تحقیق اولین پژوهش در زمینه پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های مکی را انجام می‌دهد. منظور از سوره‌های مکی آن دسته از سوره‌هایی است که با اِذَا شروع می‌شود و در مکه نازل شده است که شامل سوره‌های الواقعة، التکویر، الانفطار، الانشقاق و الزلزال می‌شود. از آنجا که همه این سوره‌ها دارای مطلع واحد هستند و همگی در مکه نازل شده‌اند بررسی چگونگی و میزان تناسب‌های شکلی و محتوایی میان آن‌ها نیاز به تحقیق و پژوهش دارد. در همین راستا پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا می‌توان سوره‌های مکی را در یک گروه جای داد؟ و از جهت شکلی و ساختاری چه تناسبی میان این سوره‌ها وجود دارد؟ و از جهت محتوایی و مضمونی چه تناسبی میان آن‌ها یافت می‌شود؟ از این رو سوره‌های اذائیه مکی را از جهت ساختاری با یکدیگر مقایسه نموده و تناسب‌ها و پیوستگی‌های میان آن‌ها را جستجو کرده است. همچنین محتوای این سوره را با یکدیگر تطبیق می‌دهد تا روشن شود که چه پیوستگی و ارتباط محتوایی و مضمونی میان این سوره‌ها وجود دارد.

۱. در زمینه پیشینه تناسب آیات و سوره‌ها کتاب پژوهشی در نظم قرآن، نوشته عبدالهادی فقهی زاده، پایان نامه کارشناسی ارشد لیلا علوی با عنوان تناسب سوره‌های مکی، پایان نامه کارشناسی ارشد زهرا خلخالی با عنوان تناسب در سوره حزب مفضل قرآن، رساله کارشناسی ارشد رضوان جلالی‌فر با عنوان مضامین مشترک سوره قرینین، رساله کارشناسی ارشد روح اله داوری با عنوان در آمدی بر پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم نگارش یافته است.

## ۲- پیوستگی ساختاری و شکلی

در اینجا به بررسی پیوستگی ساختاری و شکلی سوره‌های اذائیه مکی پرداخته می‌شود و تناسب و پیوستگی میان آنها از جهت هماهنگی و نظم در واژگان و جملات و انواع صنایع ادبی بکار رفته در آنها همچون حسن آغاز، سجع، تشبیه و دیگر صنایع ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱. حسن آغاز

فواتح سور یکی از شاخص‌های حائز اهمیت در تشخیص معیار گروه‌بندی سوره‌ها بشمار می‌آید؛ از اینرو سوره‌هایی از قرآن که مطلع مشترکی دارند و دارای سرآغاز مشابهی هستند در قالب یک گروه جای می‌گیرند که از پیوستگی‌های ساختاری و محتوایی برخوردارند (سیوطی، ۳۳۳/۲). این مسأله در احادیث معتبر و متعدد، مورد توجه قرار گرفته و مفسران بر این معیار صحه گذاشته و اشتراک در فواتح سوره‌ها را نشانه تقارن موضوعی آنها دانسته‌اند (لسانی، ۱۰۸). بر همین اساس است که سیوطی به همسانی سرآغاز سور اهتمام ورزیده و هر دسته از سوره‌هایی که سرآغاز مشترک دارند را یک نوع بشمار آورده است. وی کلام خداوند را از جهت شروع، به ده نوع تقسیم نموده و در خصوص سوره‌های اذائیه یادآوری میکند که سوره‌های الواقعه، منافقون، التکویر، الانفطار، الانشقاق و الزلزال و النصر همگی با شرط آغاز شده‌اند و در یک گروه دسته‌بندی میشوند که دارای حسن آغاز هستند (سیوطی، ۳۳۴/۲). سور اذائیه مکی دارای شروع یکسان هستند و با اذای شرطیه آغاز میشوند. اذای ظرف زمان و از ادات شرط است که از این منظر ساختار مشترکی دارند و به گونه‌ای نظام یافته‌اند که همگی برای شرط محقق الوقوع و حتمی الوقوع به کار گرفته شده‌اند (حسن، ۲۶۰/۲-۲۶۱). چه اینکه، شروع کلام با جمله شرطی، تأثیرگذاری بر خواننده را بیشتر می‌کند، و او را برای درک مسأله‌ای که موردنظر گوینده است و به دنبال شرط می‌آید تهییج می‌کند؛ چرا که وجود عبارت شرطی در آغاز

کلام خبر بخصوص زمانی که جواب شرط در ساختار فعل ماضی بیان می‌شود از نگاه گوینده متن، از وقوع حتمی و قطعی حادثه یا موضوعی می‌دهد که در جواب آمده است. جواب شرطها در این سوره‌ها، مربوط به حوادث قیامت و صحنه‌های آن است. در نتیجه چنین شروعی، حاکی از آن است که قرآن می‌خواهد این دریافت را به خواننده منتقل کند که حوادث مربوط به قیامت که در عبارات شرطی و در جواب شرط آمده و همگی با صیغه ماضی نقل شده است قطعی و حتمی است و خللی در تحقق آن ایجاد نخواهد شد؛ در نتیجه قرائت کننده این آیات اطمینان خاطر پیدا می‌کند که قیامت و حوادث مربوط به آن آمدنی و برپا شدنی است اینگونه کلام علاوه بر اینکه دارای حسن آغاز است به براعت استهلال نیز نزدیک است که یکی از روش‌های تهییج مخاطب برای توجه بیشتر به کلام است. براعت استهلال آن است که سخن با آنچه با حال متکلم و مخاطب تناسب دارد آغاز شود و به آنچه سخن برای آن بیان شده اشاره شود (سیوطی، ۳۳۵/۲)؛ از آنجا که قرآن می‌خواهد ضمن حتمی بودن وقوع قیامت هولناک بودن آن صحنه را نیز ترسیم کند، با استفاده از عبارتهای شرطی همراه با کوبندگی در کلام و با بکارگیری افعال ماضی به این هدف دست می‌یابد؛ در نتیجه سوره‌های اذائیه مکی علاوه بر حسن آغاز واجد صنعت براعت استهلال نیز هستند. ملاحظه می‌شود که سور اذائیه مکی همگی با عبارتهای شرطی متعدد آغاز شده و از وقوع حوادث مشترک خبر می‌دهند که حاکی از پیوستگی ظاهری و محتوایی میان این سوره‌ها است. این روش با غرض سوره‌ها که توجّه دادن مخاطب به مسأله مهم قیامت و ایجاد باور و یقین در او نسبت به وقوع آن است هماهنگی دارد. بنابراین عبارتهای شرطی در مطلع سوره‌های اذائیه مکی به معنای حسن آغاز و براعت استهلال این سور است و حکایت کننده همبستگی و پیوستگی میان این سوره‌ها است.

## ۲-۲. صنعت سجع

سجع در علم بدیع، به معنای آن است که کلمات آخر جملات مشابه در وزن یا روی یا

یکی از این دو برابر باشند و در این زمینه فرقی بین نثر یا نظم وجود ندارد (طاهرخانی، ۸۳). سکاکی سجع در نثر را همانند قافیه در شعر می‌داند (سکاکی، ۶۷۲). قرآن کریم به سبب همین ویژگی، ذاتاً آهنگین است و این ویژگی در سرتاسر قرآن به ویژه در شماری از سوره‌های اولیه و میانی مکی وجود دارد (میر، ۳۳). با توجه به همین ویژگی میتوان بین سوره‌هایی که دارای سجع و وزن یکسان هستند ارتباط برقرار کرد. علمای بدیع سجع را به انواعی تقسیم کرده‌اند که از انواع اثرگذار بر خواننده، سجع متوازی است که در سور اذائیه مکی به کار رفته است. سجع متوازی آن است که کلمات در وزن و فاصله هر دو متفق باشند و آنچه در اولی هست با آنچه در دومی هست یکسان باشد (سیوطی، ۳۲۸/۲). سور اذائیه مکی از سوری هستند که بسیاری از آیات آن‌ها دارای سجع‌های مشابه و یکسان است. در سوره الواقعة، آیات یکم تا سوم، هشتم تا دهم، پانزدهم و سی و دوم تا سی و چهارم، دارای فاصله‌های واحد هستند که همگی به تاء ختم می‌شوند. همین فاصله در آیات یکم تا چهاردهم سوره التکویر یافت می‌شود که همگی به تاء ختم می‌شوند. ساختار سوره الانفطار از جهت فاصله‌ها به گونه‌ای است که ایجاد کننده این احساس در خواننده است که گویا این دو سوره، قابلیت تبدیل شده به یک سوره هستند؛ به این معنا که آیات یکم تا پنجم سوره الانفطار نیز به تاء ختم می‌شود که نظام‌هنگی کاملاً شبیه به نظام‌هنگی آیات سوره التکویر دارد. همین رویکرد در سوره الانشقاق یافت می‌شود که آیات یکم تا پنجم به تاء ختم می‌شود و آیات ششم و هفتم نیز از جهت سجع ساختار مشابهی با آیات پیشین دارد. و در سوره الزلزال هر چند فاصله‌های تاء وجود ندارد لکن دو آیه آخر از ساختار مشابهی تشکیل شده که در هنگام وقف هم سویی بسیاری با آیات یکم تا پنجم سوره الواقعة پیدا می‌کند. ملاحظه می‌شود که سوره‌های اذائیه مکی همگی دارای فاصله‌های یکسانی هستند که برخی از آیات به مصوّت تاء ختم میشوند. مصّت تاء، حرف مهموس، انفجاری و دارای صفت شدت است (ستوده‌نیا، ۷۳). این نوع سجع که آهنگین‌ترین و زیباترین نوع سجع است بسامد بسیار بالایی در سور اذائیه مکی دارد

(الهاشمی، ۴۰۴). این فاصله‌های شدید و انفجاری که متن را آهنگین کرده و نظام‌هنگ منسجمی دارند با محتوای آیات که از شروع قیامت و صحنه‌های ترسناک آن سخن می‌گویند تناسب داشته و بر خواننده تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد و تصویری هول‌انگیز را از آن روز برای او ترسیم می‌کند.

## ۲-۳. صنعت تشبیه

از دیدگاه عالمان علوم بلاغت هیچ یک از فنون بلاغت در مجسم نمودن معانی و تصویرگری مفاهیم به پایه تشبیه نمی‌رسند؛ تا آنجا که درباره آن گفته‌اند تشبیه معنا را آنگونه آشکار می‌سازد که گویی آن را میتوان با چشم خود دید و با انگشتان خود آن را لمس نمود (عبدالقادر، ۷). تشبیه در قرآن تنها یک آرایش کلامی و زیبایی لفظی نیست که هدف از آن تنها ایجاد مشابهت میان اشیاء باشد و بس، بلکه قرآن به کمک تشبیه، روح و حیات و نشاط به کار برد الفاظ می‌دهد و معانی ذهنی را به صورت‌هایی مجسم و زنده در قالب تصاویری بدیع به نمایش می‌گذارد و البته در این میان از عنصر هنر و زیبایی و نظم و موسیقایی کلام غافل نمی‌شود (محمد قاسمی، ۶۸). سوره‌های اذائیه مکی از این صنعت بیانی برخوردار است و در آن‌ها آیاتی یافت می‌شود که به نیکویی از این صنعت ادبی استفاده کرده است. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که سوره الواقعة با استفاده از تعبیرهایی مانند «وَحُورٌ عِینٌ. کَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ»؛ حوریان بهشتی را از جمله نعمت‌ها و پاداش‌های بهشتی برای نیکوکاران معرفی می‌کند که آن‌ها را در نیکویی و مصفاًیی به مرواریدهای زیبایی تشبیه کرده که دست نخورده و در صدف پنهان مانده‌اند (طباطبایی، ۲۴۷/۱۹). این صنعت ادبی در سوره التکویر نیز مشاهده می‌شود. تعبیر «وَالصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ» در این سوره به کاربرد همین صنعت پرداخته است. صبح در این آیه به موجود زنده‌ای تشبیه شده که نخستین تنفسش با طلوع سپیده آغاز می‌شود و روح حیات در همه موجودات می‌دمد گویی در زیر دست و پای لشگر زندگی شب نفسش بریده بود و عفریت

شب پنجه‌های سیاه خود را به گلوی صبح افکنده بود و آن را می‌فشرد امام با درخشیدن اولین شعاع نور از زیر چنگال او آزاد می‌شود و نفس تازه میکند (مکارم شیرازی، ۸۹/۲۲). سیوطی تشبیه در این آیه را نوعی استعاره محسوس میداند یعنی از بیرون آمدن تدریجی نفس عاریت گرفته شده برای بیرون آمدن نور از مشرق هنگام شکفته شدن تدریجی فجر که تمام اینها محسوس می‌باشد (سیوطی، ۱۴۶/۲). زمخشری درباره تصویر زیبای قرآن میگوید شاید پیرسید مقصود از تنفس صبح چیست؟ باید بگویم که وقتی صبح می‌آید با آمدنش روح نسیمی تازه می‌آورد و در کالبد بی‌جان طبیعت روح زنده‌ای می‌دمد همین نسیم و روح به طور مجاز تنفس صبح خوانده می‌شود (زمخشری، ۷۱۱/۴). و در آیات سوره التکویر به نیکویی از این صنعت ادبی استفاده شده است. وقتی می‌فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ»؛ ستارگان را به پرندگانی تشبیه می‌کند که صبح از لانه بیرون می‌آیند، حرکت می‌کنند و شامگاهان به لانه باز می‌گردند؛ و پیوسته این کار را تکرار می‌کنند. در سوره الزلزال در آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» زمین را به انسان زنده‌ای تشبیه می‌کند که در حال گزارش دادن حوادثی است که شاهد آن بوده و هیچ حادثه‌ای را به فراموشی نسپرده است و ماموریتی را که برعهده داشته به خوبی به انجام می‌رساند؛ و در سوره الانفطار در آیه «وَإِذَا الْكُوَاكِبُ اتَّتَرَتْ»؛ ستارگان را به گردنبندی از مروارید تشبیه کرده که دانه‌های ریز و درشتش را با نظمی معین قرار داده بودند اما ناگهان رشته‌اش پاره شود و دانه‌ها متفرق شوند (طباطبایی، ۵۳۸/۲۰). در سوره الانشقاق در آیه «وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» زمین به زن بارداری تشبیه شده که با اذن و اجازه الهی بار خود را به زمین می‌گذارد (سید قطب، ۷۸۹). ملاحظه می‌شود که در همه سور اذائیه مکی به نیکویی از صنعت ادبی تشبیه استفاده شده تا خواننده را در فضای درک بیشتر صحنه‌های مقصود قرار دهد.

## ۴-۲. تصویرپردازی از طریق انتقال از آینده به گذشته

قرآن در صحنه‌هایی چند، از حوادثی که در آینده تحقق خواهد یافت به ویژه در

حوادث قیامت با صیغه ماضی یاد نموده است تا از این راه وقوع حتمی و قطعی چنین اموری را اعلام دارد و تصاویر آن را با برخی جزئیاتش در پیش روی مخاطب قرار دهد؛ چنانکه درباره محشور شدن انسانها در قیامت می‌فرماید «وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (الکهف، ۴۷) که با وجود تحقق آن در آینده از آن با صیغه ماضی یاد نموده تا از وقوع حتمی آن پرده بردارد (الحسینی، ۵۸۸). این رویکرد در سوره اذاثیه مکی مشاهده می‌شود. تعبیرهای سوره الواقعه با ذکر افعال وقعت، رجّت، بسّت، کانت، کنتم که همگی در صدد بیان صحنه‌های مربوط به قیامت و آینده بشر و نظام آفرینش است؛ لکن با صیغه ماضی تبیین می‌کند. و در سوره التکویر از افعال کوّرت، انکدرت، سیّرت، حشرت، سجّرت، زوّجت، سئلت، قتلت، نشرت، کشطت، سعّرت، ازلفت، أحضرت استفاده کرده که صحنه‌های مربوط به قیامت را به تصویر کشیده است. و در سوره الانفطار از واژگان انْفَطَرْتُ، اِنْتَرْتُ، فَجَرْتُ، بعثرت، قَدَمْتُ، اُخْرْتُ بهره برده است که در باره حوادث مربوط به آستانه قیامت خبر می‌دهد که در آینده اتفاق خواهد افتاد. و در سوره الانشقاق از کلمات اَنْشَقَّتْ، و در سوره الزلزال که حوادث و اخبار قیامت را بیان می‌کند با استفاده از واژگان زلزلت، اُخْرَجْتُ و قال بیان کرده است. قرآن در این صحنه‌ها با برداشتن حائل زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند داده و شکاف میان دنیا و آخرت را برداشته، به گونه‌ای که در برخی موارد فرقی میان آن دو نمی‌بینیم بلکه در مواقعی آخرت را پیش روی خود حاضر می‌بینیم و دنیا را گذشته و طی شده می‌یابیم که این خود در حیات بخشیدن به صحنه‌ها و تاثیرگذاری عمیق بر مخاطب بسیار نقش‌آفرین است (سید قطب، ۳۹-۴۱). این رویکرد قرآن حاکی از آن است که اخبار مذکور در سوره‌های اذاثیه مکی مربوط به حوادث قیامت و یا حوادث مربوط به آستانه قیامت است که در آینده حاصل خواهد شد؛ لکن قرآن با بهره‌گیری از افعال ماضی قطعیت این حوادث را به نمایش گذاشته است.

## ۵-۲. تصویرپردازی با حروف

گرچه حروف در هر زبانی اداتی هستند که بر معنای مستقلی دلالت نمی‌کند و تنها نقش واسطه‌ای را میان کلمات ایفا می‌کنند اما همین حروف به ظاهر ساده در قرآن برای خود جایگاهی حائز اهمیت دارند و بسیار نقش آفرینند. حروف در قرآن اداتی طفیلی نیستند بلکه هر کدام با زبانی رمزگونه ما را به حقیقتی فرا می‌خوانند و به تعبیری حرفهای قرآن با ما حرف می‌زنند و هر یک پرده از اسراری چند برمی‌دارند (محمدقاسمی، ۴۰). قرآن در برخی تعابیر خود با به کار بردن حرف فاء که به وضوح حوادث پشت‌سرهم و بدون وقفه دلالت دارند آن جریان را از یک واقعه معمولی به صحنه‌ای پرتحرک و زنده مبدل می‌سازد و نبض کلمات را به طپش در می‌آورد (الحسینی، ۱۷۳). همچنانکه در سوره الواقعة نیز در سه آیه ۵۳ تا ۵۵ بطور پیاپی از حرف فاء استفاده می‌شود و می‌فرماید: «لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ. فَمَا لُتُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ. فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ. فَشَارِبُونَ شُرْبٍ الْهِيمِ» طعام دوزخیان و نوشیدنی آنان را در فضایی شگفتی انگیز بیان کند تا حالت تنفرآمیزی که در هنگام پرکردن شکمشان از طعام و نوشیدنی دارند را تصویرسازی کرده و توالی خوردن زقوم و نوشیدن آب سوزان را بیان می‌کند که مخاطب در صحنه شگفت‌انگیزی قرار می‌گیرد که گویا دوزخیان را مشاهده می‌کند که از فرط گرسنگی و تشنگی چنان به حرص و ولع بی‌اندازه افتاده‌اند که پشت سر هم زقوم و آب سوزان را سر می‌کشند؛ به گونه‌ای این بیان اثر گذار است که شعله بر هر وجدان بیداری زده و رستاخیزی در غفلت زدگان پدید می‌آورد. همچنین در آیه هفتم سوره الانفطار بطور پیاپی از حرف فاء استفاده نموده و پیاپی بودن مراحل خلقت انسان و علت این خلقت را با حرف فاء به تصویر می‌کشد: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» ملاحظه می‌شود که پیاپی آمدن دو تعبیر فسوآک . فعدلک حاکی از این است که هم‌زمانی آفرینش، آراستن و تعدیل کردن شخصیت انسان را به نمایش می‌گذارد؛ به گونه‌ای که گویا هیچ فاصله زمانی میان خلقت، آراستن و تعدیل انسان وجود ندارد. و در سوره الانشقاق در آیات «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ

بِیْمِیْنِهِ. فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا یَسِیرًا» دو مرتبه از حرف فاء استفاده می‌شود که برای اصحاب یمین میان لحظه گرفتن نامه عمل و زمان حسابرسی آسان آنها فاصله‌ای نیست؛ در نتیجه این گویش قرآن زمینه تشویق مخاطب را فراهم می‌کند. و در سوره الزلزال در آیه «فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَیْرًا یَرَهُ» حرف فاء با آیات قبل پیوند خورده و نشان می‌دهد که حوادث قیامت پشت سر هم حادث می‌شود تا انسان به مقصد خود که مشاهده اعمال است برسد (یارمحمدی، ۵۹).

## ۲-۶. لحن‌ها و ریتم‌های مشترک

آیه‌ها و در جای جای کلام قرآن آشکار است از آنجا که استفاده از عنصر آوا و آهنگ برای انتقال کلام سبب برتری متن می‌شود و قرآن کریم نیز به عنوان نماینده کلام الهی است تمام ظرفیتها و ویژگی‌های کلام برتر استفاده کرده بنابراین ویژگی‌های آوایی را نیز در خود لحاظ داشته است. نظام‌هنگ حاکم بر عبارت‌های قرآن حکایت از آن دارد که این متن نسبت به ویژگی‌های آوایی بی‌تفاوت نبوده و آنان را همانند یک گفتار و خطابه در سطح افقی نیز حمل کرده است. وجود این سبک و ویژگی آوایی در قرآن این امکان را فراهم کرده که خواننده، کلام قرآن را زنده و پویا ببیند و به طور مستقیم با همان لحن متکلم دریافت کند؛ گویی که وی مستقیماً مورد خطاب کلام وحی قرار گرفته است. علاوه بر این، ویژگی‌های آوایی سبب انتقال لحن متکلم به متن نوشتاری قرآن شده است. لحن کلام، در محاورات عرفی از قرائن کلام است و در تحقق ظهور کلام و تعیین مقصود گوینده آن موثر است به همین دلیل هم گویندگان برای افاده مقصود خود از آن کمک می‌گیرند و آن را به همراه الفاظ، دلیل بر مقصود خود قرار می‌دهند (فلاح، شفیعی پور، ۴۶). آیات این سوره‌ها با ریتم‌های سریع همراه است که با اهداف آن یعنی بیان صحنه‌های قیامت یا حوادث قبل تناسب دارد؛ به گونه‌ای که مخاطب را در درک بهتر آن صحنه‌ها همراه با هیجان لازم تهییج می‌کند. واژه‌های کوتاه، پی‌درپی و پرهیز از کاربرد فراوان واژه‌های بلند سبب شده تا

ریتم آیات تند و سریع گردد. در این آیات ضرب آهنگ کلمات تند و سریع و کوبنده است به گونه‌ای که تارهای دل انسان را به سرعت به حرکت درآورده و پتک سنگین آن دلها را می‌کوبد و جوی از هیجان و اضطراب را می‌آفریند. آیات ابتدایی سوره الواقعة و همینطور سوره‌های الانفطار، الانشقاق، التکویر و الزلزال از چنان نظام‌هنگ سریع و ریتم داری برخوردار است که شنونده و خواننده متن احساس می‌کند گویا کسی در حال طبل‌کوبیدن است که می‌خواهد مردم را از یک خبر بسیار مهم و جدی مطلع سازد (طالب‌تاش، ۱۶۳)؛ حروف کوتاه در واژه وقعت و ساکن شدن حرف قاف در آیه «لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ» که سبب قلقله می‌شود و حرف تشدید در سه آیه «خَافِضَةً رَافِعَةً. إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا. وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا» در سوره الواقعة بر سرعت و کوبندگی ریتم آیات اثر گذاشته است (ستوده‌نیا، ۶۰) و کثرت مصوت‌های کوتاه و غلبه آن‌ها در چهارده آیه نخست سوره التکویر، نوع جمله‌بندی آیات و تکرار فعل‌های مجهول ریتمی تند به کلام بخشیده که با اهداف سوره که ایجاد تحذیر نسبت به حوادث قیامت است تناسب دارد (ناظمیان، ۱۰۷). و در سوره الانفطار که با الانفطار یعنی شکافتن آسمان شروع می‌شود و سپس این شکافتن در سراسر سوره مشاهده می‌شود از جمله شکافته‌شدن قبرها، و حرکت انفجاری دریاها و استفاده از حرف فاء که دارای صفت شدت و استعلاء و قلقله می‌باشد و آمدنش در ابتدای سوره الانفطار دلالت بر شدت شکافته‌شدن دارد؛ و صفت تکریر در حرف راء و انفجار در حرف جیم و اجماع آنها در واژه فجرت شدت و سختی شکافته‌شدن دریاها را نشان می‌دهد؛ همگی دست به دست هم داده و ریتم آیات را سریع، تند و کوبنده می‌گردانند (جیگاره، صادقی، ۶۸) و در سوره الانشقاق که با دو شقه شدن آسمان شروع می‌شود و این پدیده در تمام سوره دیده می‌شود و حتی در صفوف انسانها راه پیدا می‌کند و با هجاهای کوتاه در واژگان پایانی آیات همراه است و ریتمی کوتاه و تند به آن می‌دهد همگی نظام‌هنگ حاکم بر این سوره را با اطلاع‌رسانی در باره حوادث قیامت متناسب می‌سازد؛ و موسیقی ویژه‌ای را به نمایش می‌گذارد که گویا هیجان و اضطراب نسبت به صحنه‌های هولناک قیامت را

القاء می‌کند (دهقانی فارسانی، ۱۱)؛ و در سوره الزلزال تکرار حرف زاء که دارای صفت صغیر و تکرار حرف لام که دارای صفت انحراف است و آهنگ خاص این حروف پی‌درپی لرزیدن زمین را در آغاز رستاخیز و قیامت را به اذهان تداعی می‌کند و ریتم آیات را در اوایل این سوره، ریتمی سریع و تند قرار می‌دهد (خوش‌منش، ۲۰۹). سید قطب معتقد است این سوره از چنان نظام‌هنگی برخوردار است که صحنه به لرزه در آورده و گویی زیرپای شنوندگان این سوره، زمین به حرکت در می‌آید و به نظر آنان چنین می‌رسد که در حال لرزش و تحرک‌اند (سید قطب، ۳۹۵۴/۶).

### ۳- پیوستگی محتوایی

گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگر هستند، در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها مشاهده نمی‌شود. مفسر در این مورد باید آن چنان اشراف و حضور ذهنی درباره قرآن کریم داشته باشد که به مقدار وسع و تکلیف، همه آیاتی را که در این زمینه نظر دارند، نفیاً و اثباتاً گردآوری کرده و محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد. (مصلائی‌پور یزدی و دیمه کار، ۳۱) بنابراین در نظایر معنوی، تأکید زیادی بر محتوای آیات وجود دارد، هر چند ممکن است الفاظ مشترکی میان آن‌ها مشاهده نشود.

### ۳-۱. توحید ربوبی

اسماء الهی مشترک بین سوره هم‌گروه می‌تواند دلیلی برای کشف موضوعات و مفاهیم مشترک در بین این سوره باشد. اسم مشترکی که در میان سوره‌های اذائیه مکی به چشم می‌خورد، نام رب الهی است و این خود حلقه اتصالی را میان این سوره برقرار کرده است و می‌تواند بیانگر این نکته باشد که خداوند طراحی مسئله معاد را از طریق تأکید بر ربوبیت خود در عالم پایه‌گذاری می‌کند؛ یعنی لازمه تربیت و رشد و نمو انسان، بودن جهان دیگر است که ظرفیت این را داشته باشد که انسان حیاتش را در آنجا ادامه بدهد. در سوره الواقعة

که مفصل‌ترین آیات در مورد مظاهر ربوبیت الهی وجود دارد در آیات ۵۷ تا ۷۴ بعد از ذکر مظاهر ربوبی خداوند در خلقت انسان، کشت و زراعت، برآوردن آب از دل زمین، و بر افروختن آتش به نام رب اشاره می‌کند؛ به این معنا که چون او مربی انسان است مقصدی عالی را برای انسان در نظر گرفته است و در ادامه از نعمت معنوی قرآن یاد می‌کند و بر مسأله ربوبیت خداوند تأکید می‌کند که چگونه خداوند با کلامش تربیت انسانها را منظور کرده است (طباطبایی، ۲۷۶/۱۹). در سوره الانفطار انسان را در مقابل ربی قرار می‌دهد که کریم است و او را در کنف حمایت خویش قرار داده و نعمات مادی و معنوی خود را بر او ارزانی داشته است و با عبارتی اعتراضی و تعجب انگیز از او می‌پرسد: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ؟» و بدنبال آن به این مظاهر ربوبیت اشاره می‌کند که در آفرینش انسان، تسویه و تعدیل و در صورت پردازی او نمایان است (مکارم شیرازی، ۲۶/۲۱۷). در سوره الانشقاق با تکرار اذنت لربها و حقت پس از بیان انشقاق آسمان و تخلیه زمین در آستانه قیامت بر توحید ربوبی تأکید می‌کند و در خطاب به انسان در رنج بودنش به سوی رب را یادآوری می‌کند تا دریابد که ربوبیت خداوند تمام زندگی او را فرا گرفته است و در ادامه صفت بصیر بودن خدا را نسبت به عملکرد انسان با ربوبیت خداوند در هم می‌تند تا گستره این ربوبیت را به او متذکر شود. صفت بصیر حاکی از آن است که خداوند سامان‌دهنده و تنظیم‌کننده امور انسان است و با فراهم نمودن اسباب و استعدادها، زمینه پرورش انسان و تصرف رب را فراهم می‌سازد (بازرگان، ۶۹/۴)؛ علامه طباطبایی تأکید می‌کند که در سوره الانشقاق بیشترین تکرار نام رب الهی را شاهد هستیم. ابتدا خداوند ربوبیت خود را در انشقاق آسمان و کشیده شدن زمین بیان می‌کند و این که موجودات عالم همه بر اساس قوانینی که خداوند برایشان وضع کرده حرکت می‌کنند و منقاد ربوبیت پروردگار هستند و بعد انسان را هم بر اساس همین قوانین در حال حرکت به سوی پروردگارش توصیف می‌کند (طباطبایی، ۵۷۷/۲۰). در سوره الزلزال خداوند سخن گفتن زمین و خبر دادن او از آنچه بر رویش اتفاق افتاده را براساس فرمان وحی که به زمین

می‌شود را با نام رب خود همراه می‌کند تا نقش ربوبیتی پروردگار در هدایت موجودات در آن جهان نیز مورد غفلت واقع نشود که این آیه علاوه بر اینکه شعور و حیات را در زمین ثابت می‌کند به پروردگاری اشاره دارد که رب است و موجودات را در این عالم با شعور خلق کرده است پس انتظار از چنین موجودی این است که بتواند از حوادث واقع بر خود خبر دهد پس وحی به زمین همان امر و تدبیر ربوبی است که از آغاز تکوین زمین وجود داشته است (طالقانی، ۲۲۰/۳۰).

### ۲-۳. حوادث قیامت

سوره الواقعة با نام‌گذاری قیامت به نام واقعه شروع می‌شود. طبرسی در تفسیر معنی واقعه معتقد است علت این نام‌گذاری شدت وقایع و حوادثی است که در روز قیامت رخ می‌دهد یا شدت وقوع قیامت است (طبرسی، ۳۲۵/۹) و در این حادثه عده‌ای بالا می‌روند و گروهی پایین می‌آیند. امام سجاد در تفسیر *خَافِضَةً رَافِعَةً* بودن قیامت یادآوری کرده‌اند که رستاخیز خافضه است چرا که دشمنان خدا را در آتش ساقط می‌کند و رافعه است چرا که به خداوند سوگند اولیاءالله را به بهشت بالا می‌برد (حویزی، ۳۰۴/۵). در همه این سور حوادث شروع قیامت با کلمه اذا که از ادات ظرفیه و شرطیه است و برای بیان حادثه-ای محقق الوقوع در آینده به کار می‌رود شروع می‌شوند (حسن، ۲۶۰/۲) و در آن روز زمین دچار لرزشی سخت می‌شود. از کنارهم قرارگرفتن دو حرف جیم و را در واژه رجّت و مفعول تاکید ریجاً که در آیه «إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا» آمده شدت اضطراب زمین را نمایان می‌سازد. زحیلی یادآوری می‌کند که این آیه نظیر آیه «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» می‌باشد (زحیلی، ۲۴۳/۲۳). و نتیجه چنین لرزش و جنبشی تغییری است که در کوه‌ها اتفاق می‌افتد «وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا»؛ بس در لغت به معنی خردکردن چیزی و کوبیدن آن است (مصطفوی، ۲۶۸/۱). در سوره الانفطار حوادث قیامت از انفطار آسمان شروع می‌شود یعنی شکاف طولی که بر اثر این شکاف ستارگان که در یک رشته به هم پیوسته قرار

داشته‌اند مانند دانه‌های گردنبند پاره شده پراکنده می‌گردند (طباطبایی، ۵۳۸/۲۰) و دریاها به مرحله تفجیر می‌رسند که به معنی خروج دریاها از حد و مرز خود و متصل شدن آنها به یکدیگر است که این حادثه بعد از آن چیزی است که در سوره کورت در مورد دریاها گفته شده است. مصطفوی می‌گوید فجرت هیجان و فیضان از شدت پر شدن است (مصطفوی، ۵۶/۵). طالقانی مضامین سوره الانشقاق و الانفطار را به هم پیوند می‌دهد و یادآوری می‌کند که در سوره الانشقاق از شکافتن آسمان سخن می‌گوید که به معنی جدا شدن اجرام به هم پیوسته آسمان است و در سوره الانفطار از منفطر شدن آسمان یعنی از هم گسیختگی سخن می‌گوید؛ در حقیقت شکافتن با گسیختن و پاره شدن فرق دارد به این معنا که نخست جرم یا اجرام به هم چسبیده و پیوسته آسمان از هم جدا شده به انشقاق می‌رسند آنگاه سست شده و یکسره از هم گسیخته و منفطر می‌گردند (طالقانی، جزء ۲۶۸/۳۰). در حدیثی از امیرمومنان علی علیه‌السلام در تفسیر این آیه آمده است که ایشان فرموده‌اند آنها تشق من المجره آسمانها از کهکشانها جدا می‌شوند (آلوسی، ۸۷/۳۰) و بعد به تغییر زمین اشاره می‌شود «وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ. وَأُلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» مراد آن است که کوه‌ها و تپه‌ها و بلندی‌های زمین فرو ریزد و پهن شود و پشتش هموار می‌گردد. از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفته مانند کشیده‌شدن چرم عکاظی کشیده می‌شود؛ زیرا چرم را وقتی که بکشند هر چروکی که در آن هست از بین می‌رود و هر مرده و گنجی را که در خود نهفته داشته بیرون می‌اندازد؛ به نحوی که هیچ چیز در آن باقی نمی‌ماند. (زمخشری، ۸۹۸/۴) و یا اینکه بر وسعت و گستردگی زمین افزوده می‌شود تا آمادگی حشر و نشر خلایق را داشته باشد (فخررازی، ۹۷/۳۱). و این تغییر بعد از آن چیزی است که در سور الزلزال و الواقع بدان اشاره شده است. در سوره التکویر حوادث قیامت با تاریک‌شدن خورشید شروع می‌شود؛ یعنی خروج خورشید از نظم و اداره‌ای که بر منظومه‌اش داشته و از فلک خود خارج می‌شود (مصطفوی، ۱۲۵/۱۰) و به این خاطر ستارگان هم منکدر می‌شوند مانند آنچه در سوره الانفطار آمده و البته ممکن است به معنای تیرگی باشد یعنی در آن روز

ستارگان بی‌نور می‌شوند (طباطبایی، ۵۱۹/۲۰) و تغییرات کوه‌ها در این سوره با آیه «وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» بیان شده که به معنی حرکت کوه‌ها و به جریان افتادن آنها است (ابن فارس، ۱۲۱/۳) و این به حرکت درآمدن کوه‌ها بعد از مرحله کوبیده‌شدن است که در سوره الواقعة به آن اشاره شده یعنی ابتدا کوه‌ها چنان از هم می‌پاشند که سنگ و خاکشان یکسان می‌شود و بصورت پشم زده‌شده (كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ) می‌شوند و سپس به حرکت در می‌آیند مانند حرکت ابرها (تَمَرُّ مَرَّ السَّحَابِ) (بقاعی، ۴۰۳/۷) ظاهراً این مرحله بعد از آن مرحله‌ای است که در سوره کورت به آن اشاره شد؛ البته زمخشری این دو آیه را نظیر هم می‌داند (زمخشری، ۵۵۹/۴) و تغییرات آسمان در این سوره ضمن آیه «وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ» بیان شده که در اصل به معنی برکنده‌شدن است؛ همانند برکندن پوست حیوانات (ابن فارس، ۶۸۴/۵) و به معنی پرده‌برداری و کشف چیزی که آن را احاطه کرده است (مصطفوی، ۶۳/۱۰). واژه کشطت حاکی از این است که پرده‌هایی که در این دنیا بر جهان ماده و عالم بالا افکنده شده و مانع از آن است که مردم فرشتگان یا بهشت و دوزخ را که در درون این جهان است ببینند کنار میرود و انسانها حقایق عالم هستی را می‌بینند و همانطور که در آیات بعد می‌آید دوزخ شعله‌ور و بهشت به انسانها نزدیک می‌شود؛ یعنی آیه ناظر بر حوادث مرحله دوم رستاخیز یعنی مرحله بازگشت انسانها به زندگی و حیات نوین است که بعد از انشقاق و انفطار آسمان که مربوط به مرحله اول رستاخیز می‌شوند اتفاق خواهد افتاد که ممکن است به معنای در هم پیچیدن آسمانها و ناظر به حوادث مرحله اول رستاخیز باشد که در این صورت انشقاق و انفطار آسمان یک معنا می‌دهد (ابن عاشور، ۱۳۲/۳۰). بنابراین با توجه به سیاق آیات و نظر مفسران می‌توان به این نتیجه رسید که ابتدا حوادثی در زمین و آسمان رخ می‌دهد که در سوره الواقعة به آن پرداخته است؛ سپس در آسمان انشقاق رخ می‌دهد یعنی اجزای به هم پیوسته آن از هم جدا می‌شوند که محتوای سوره الانشقاق است؛ و بعد یکسره منظر می‌گردند یعنی از هم گسیختگی در آسمان اتفاق می‌افتد که سوره الانفطار آن را بیان کرده است و نهایتاً آسمان به آسمان

دیگری تبدیل می‌شود و این همان چیزی است که در سوره التکویر با واژه "کشطت" به آن اشاره شده است و در سوره الزلزال که با اشاره به زلزله سخت قیامت شروع می‌شود و اینگونه می‌فرماید که زمین زلزله‌اش را سر می‌دهد و این زلزله‌ای است که نه فقط شامل زمین بلکه تمام عالم یکسره می‌شود (مطهری، ۸۶/۶) و این زلزله کماً و کیفاً تکرار می‌شود (مصطفوی، ۳۴۱/۴) که بر اثر این زلزله زمین آنچه در درون دارد از گنج‌ها و معادن و به قول بعضی از مفسران مردگانش را بیرون می‌ریزد.

### ۳-۳. گروه‌بندی انسانها در قیامت

پرداختن به احوالات مختلف انسانها در قیامت محور اصلی سوره‌های اذائیه مکی است که در هر سوره به شکلی خاص عنوان شده (لسانی، ۱۳۲). در سوره الواقعة پس از اینکه صحنه قیامت را بازپردازی می‌کند یادآوری می‌کند که شما انسان‌ها در سه دسته السابقون، اصحاب یمین و اصحاب شمال گروه‌بندی می‌شوید. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که کلمه زوج در آیه هفتم سوره الواقعة به معنای صنف است بنابراین ازواج سه‌گانه به معنای اصناف سه‌گانه است و خطاب در آیه به عموم انسانها است که در حقیقت بیانگر این است که انسانها در قیامت به سه دسته تقسیم میشوند (طباطبایی، ۱۹). بانوی اصفهانی سه دسته بودن انسانها در قیامت را به سه دسته بودن قوای آنها در دنیا متصل می‌کند که در حقیقت اصناف سه‌گانه بشر ناشی از قوای سه‌گانه اوست؛ زیرا که قوای مدرکه انسانی شامل قوه عقل، خیال و حس می‌باشد که برای هر یک از این قوا کمالی است لایق به خود، و سرانجام هر فردی به این سه قوه و انتهای کمالی آن مرتبط است (امین، ۶۳/۱۳). تقسیم‌بندی مشابهی در خصوص وضعیت انسانها در قیامت در سوره کورت ملاحظه می‌شود. آنجا که می‌فرماید: «وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ» زمخشری این آیه را نظیر آیه «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً» در سوره الواقعة می‌داند و تأکید می‌کند که بیان آیه به معنای آن است که ارواح در قیامت قرین یکدیگرند (زمخشری، ۷۰۸/۴)؛ و در سوره الانفطار انسانها به دو

گروه ابرار و فجّار تقسیم می‌شوند. ابرار جمع برّ به معنی هر نوع نیکوکاری است و در اینجا هم عقاید نیک و هم نیات خیر و هم اعمال صالح را شامل می‌شود و نعیم که صفت مشبهه است دلیل بر ثبوت نعمت آنها دارد، و فجّار جمع فاجر به معنی شکافتن وسیع است؛ یعنی کسانی که پرده عفاف و حیا را دریده‌اند در آتش افروخته هستند (مکارم‌شیرازی، ۲۶)؛ و در سوره الانشقاق افراد به دو گروه تقسیم‌بندی شده‌اند؛ گروهی که نامه عملشان را از سمت راست دریافت می‌کنند و با آنها حساب یسیر می‌شود یعنی به تعبیر پیامبر به نامه اعمال آنها نگاه کرده شود و از آنها صرف‌نظر شود (سیدقطب، ۷۹۱/۶) و گروه دوم که نامه عملشان از پشت سر به آنها داده می‌شود. پشت‌سر مرتبه دانی انسان است و شرافت به جلوی رو و طرف یمین وی می‌باشد. لذا کتاب کفار و فجّار نظر به پستی آنها از پشت سر داده می‌شود، چون قیامت موقعی است که حقیقت و کنه هر چیزی نمایان می‌گردد (امین، ۶۷/۱۵). در سوره الزلزال گروه‌بندی انسانها در قالب "اثناتاً" بیان شده است. فخررازی در تفسیر سوره تأکید می‌کند که عده‌ای با چهره‌های نورانی و لباس‌های فاخر به سمت مواقف حرکت می‌کنند و عده‌ای با چهره سیاه در غل و زنجیر در حالی که منادی آنها را عدو الله می‌خواند وارد محشر می‌شوند (فخررازی، ۲۵۶/۳۲). ملاحظه می‌شود که در تمام سوره‌های اذائیه به مسأله گروه‌بندی و تقسیم‌بندی انسان‌ها در دنیا و یا قیامت توجه شده است. این رویکرد مشترک حاکی از به هم پیوستگی معنایی میان سوره‌های اذائیه مکی است.

### ۳-۴. غرض مشترک

در همه سوره‌های اذائیه مکی غرض مشترکی را می‌توان دریافت کرد و آن انذار دادن انسانها نسبت به حوادث سخت قیامت است. البته در هر سوره‌ای با رویکردی خاص به این غرض پرداخته شده است. در سوره الواقعة مقداری از حوادث هول‌انگیز قیامت را ذکر می‌کند، حوادث نزدیک‌تر به زندگی دنیایی انسان، و نزدیک‌تر به زمینی که در آن زندگی می‌کرده، و تأکید می‌کند که اوضاع و احوال زمین دگرگون می‌شود و زمین بالا و پایین و زیر و رو

می‌گردد، زلزله بسیار سهمگین زمین کوه‌ها را متلاشی، و چون غبار می‌سازد، آن گاه مردم را به طور فهرست‌وار به سه دسته سابقین و اصحاب یمین و اصحاب شمال، تقسیم نموده، سرانجام کار هر یک را بیان می‌کند. آن گاه علیه اصحاب شمال که منکر ربوبیت خدای تعالی و مساله معاد و تکذیب‌کننده قرآن هستند که بشر را به توحید و ایمان به معاد دعوت می‌کند استدلال نموده، و در آخر گفتار را با یادآوری حالت احتضار و فرا رسیدن مرگ و سه دسته شدن مردم خاتمه می‌دهد (طباطبایی، ۱۹۵/۱۹). با چنین رویکردی است که آیات اول این سوره در پی ترسیم صحنه‌های هولناک شروع قیامت است و با آوردن عباراتی تنفرآور درباره وضعیت اهل جهنم، تصویرپردازی بسیار سختی از آن روز ارائه می‌دهد (فخررازی، ۳۸۴/۲۹). در سوره التکویر که مفصل‌ترین سوره در میان حوادث سخت قیامت است روز قیامت را با ذکر پاره‌ای از مقدمات و نشانی‌های آن و پاره‌ای از آنچه در آن روز واقع می‌شود متذکر می‌شود و آن روز را روزی می‌داند که در آن عمل انسان هر چه باشد کشف می‌گردد (طباطبایی، ۳۴۸/۲۰). این سوره پس از چهارده بار تکرار کلمه اذا از دگرگونی‌های عجیب آن روز یعنی تاریک‌شدن خورشید، براه افتادن کوه‌ها، رهاشدن شتر ده‌ماهه و بیرون ریختن حیوانات از ترس، برافروخته شدن آب دریاها و حوادث دیگر سخن می‌گوید. این آیات مقدمه‌ای برای بیان هولانگیز حوادث قیامت است که نامههای عمل انسان‌ها گشوده میشود و به حساب آن‌ها رسیدگی می‌شود (طالقانی، ۱۸۰/۳۰). این سوره روز قیامت را با بعضی از علامت‌های متصل به آن تحدید می‌کند، و خود آن روز را هم به بعضی از وقایعی که در آن روز واقع می‌شود معرفی می‌کند، و آن این است که در آن روز تمامی اعمالی که انسان خودش کرده و همه آثاری که بر اعمالش مترتب شده، و بوسیله ملائکه حفظه که موکل بر او بوده‌اند محفوظ مانده، در آن روز جزاء داده می‌شود. اگر اعمال نیک بوده با نعیم آخرت، و اگر زشت بوده و ناشی از تکذیب قیامت بوده، با دوزخ پاداش داده می‌شود، دوزخی که خود او افروخته و جاودانه در آن خواهد زیست. آن گاه دوباره توصیف روز قیامت را از سر می‌گیرد، که آن روزی است که هیچ کسی برای خودش مالک چیزی نیست، و امر در آن روز تنها برای خداست

(طباطبایی، ۳۶۵/۲۰). در این سوره نیز بیان شدت حوادث قیامت با اشاره به انفطار آسمان، انتشار کواکب، فروختن دریاها، گشوده‌شدن قبرها و آگاهی انسان از آنچه تقدیم و تأخیر داشته ترسیم می‌شود و بعد از ذکر گروه‌بندی انسانها در پایان سوره دو مرتبه تحذیرهای تند ادامه پیدا می‌کند و در سه آیه پیاپی خداوند به واژه یوم‌الدین و اینکه اصلاً کسی چه می‌داند آن روز چه روزی است به بزرگی حوادث آن روز اشاره می‌کند (زحیلی، ۱۳۶/۳۰). سوره الانشقاق به قیام قیامت اشاره نموده، بیان می‌کند که برای انسان سیری است به سوی پروردگارش، او در این مسیر هست تا پروردگارش را دیدار کند، و خدای تعالی به مقتضای نامه عملش به حسابش برسد، و در این آیات بر این مطالب تأکید می‌کند؛ در نتیجه آیات مربوط به تهدید از آیات بشارت در آن بیشتر است (طباطبایی، ۴۰۰/۲۰). در این سوره پس از ذکر نشانه‌های قیامت تأکیدی بر حرکت انسان به سمت پروردگار و ملاقات او دارد و اینکه این حرکت سختی‌هایی دارد و انسان باید از منازل بگذرد تا به این ملاقات برسد و این تأکید در مراقبت انسان از خودش بسیار موثر است. و در سوره الزلزال اشاره به شدت آن روز با تأکید بر زلزله‌ای است که در نهایت شدت و هراسناکی است. سوره الزلزال و بیرون ریخته‌شدن محتویات زمین در اثر آن زلزله و دهشت و تحیر عقل انسان از این زلزله و شهادت زمین از اخباری که بر روی آن انجام شده و صحنه سخت خروج انسانها و صدور آنها در حالیکه متفرق هستند و چهره‌های متفاوت دارند و برگشت اعمال به سمت انسان حتی اگر به اندازه خردلی باشد (مراغی، ۲۶۹/۳۰).

#### ۴- نتایج مقاله

۴-۱. پنج سوره الواقعة، التکویر، الانشقاق، الانفطار و الزلزال که همگی در مکه نازل شده‌اند دارای شروع یکسانی هستند که با ظرف زمان إذا آغاز می‌شوند از این رو آنها را سور اذاثیه مکی نامیده‌اند که در بررسی بدست آمده است که همگی در یک گروه جای می‌گیرند و از دو جهت ساختار ظاهری و محتوایی دارای تناسب و پیوستگی‌های شبکه‌ای هستند.

۴-۲. این سوره‌ها از جهت ساختار ظاهری و ادبی همگی دارای حسن آغاز هستند و

از مطلع مشترک و سرآغاز مشابه برخوردارند؛ بسیاری از آیات آن‌ها دارای سجع‌های مشابه و یکسان است؛ در همه آن‌ها به نیکویی از صنعت تشبیه استفاده شده است؛ همه آن‌ها در صدد بیان صحنه‌هایی از حوادث آینده‌اند لکن برای اینکه بر حتمی‌الوقوع بودن آن حوادث دلالت کنند، فعل ماضی بکار گرفته شده؛ همه سور با به کار بردن حرف فاء در ابتدای آیات، بر رخ دادن حوادث بدون وقفه و پشت‌سرهم دلالت دارند که آن جریان را از یک واقعه معمولی به صحنه‌ای پرتحرک و زنده مبدل می‌سازد و نبض کلمات را به طپش در می‌آورد؛ و آیات این سوره‌ها با ریتم‌های سریع همراه است که با اهداف آن یعنی بیان صحنه‌های قیامت یا حوادث آستانه قیامت تناسب دارد؛ به گونه‌ای که مخاطب را در درک بهتر آن صحنه‌ها همراه با هیجان لازم تهییج می‌کند. واژه‌های کوتاه، پی‌درپی و پرهیز از کاربرد فراوان واژه‌های بلند سبب شده تا ریتم آیات تند و سریع گردد. در این آیات ضرب آهنگ کلمات تند و سریع و کوبنده است به گونه‌ای که تارهای دل انسان را به سرعت به حرکت درآورده و پتک سنگین آن دل‌ها را می‌کوبد و جوی از هیجان و اضطراب را می‌آفریند.

۳-۴. سور اذائیه مکی از جهت محتوایی از پیوستگی برخوردار است و همگی به طرح بحث پیرامون ربوبیت خداوند پرداخته و اسم مشترکی که در میان سوره‌های اذائیه مکی به چشم می‌خورد، نام رب الهی است که حلقه اتصالی را میان این سور برقرار کرده و میتواند بیانگر این نکته باشد که خداوند طراحی مسئله معاد را از طریق تاکید بر ربوبیت خود در عالم پایه‌گذاری می‌کند؛ در همه این سور به طرح مسأله قیامت پرداخته‌اند که البته با کلمه اذا که از ادات ظرفیه و شرطیه است و برای بیان حادثه‌ای محقق‌الوقوع در آینده به کار می‌رود شروع می‌شوند؛ محور اصلی همه این سوره‌ها پرداختن به احوالات مختلف انسانها در قیامت است؛ و در همه این سور غرض مشترکی را می‌توان دریافت کرد و آن انداز دادن انسانها نسبت به حوادث سخت قیامت است.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳ش.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم المقایس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، موسسه التاریخ، بیروت، ۱۲۹۳ق.
۵. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.
۶. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن. انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۵ش.
۷. باقلانی، ابوبکر محمد بن الطیب، اعجاز القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۸. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الایات و السور، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۹. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ش.
۱۰. خوش‌منش، ابوالفضل، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۶۲، ص ۲۱۵-۱۸۵، ۱۳۹۴ش.
۱۱. حسن، عباس، النحو الوافی، ناصر خسرو، تهران، بی تا.
۱۲. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، اسماعیلیان، ایران، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۳. الحسینی، سید جعفر، اسالیب البیان فی القرآن، موسسه الطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۱۴. حقی بروسی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تحقیق: احمد قدسی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۶. جرجانی، عبد القاهر بن عبد الرحمن، دلائل الاعجاز فی علم المعانی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۷. جیگاره، مینا و همکار، بررسی و تحلیل سوره انفطار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی، ص ۷۴-۵۰، پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، تهران، شماره ۱۳، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵ش.
۱۸. دهقانی فارسانی، یونس، ساختار سوره انشقاق، مجله بلاغ مبین، شماره ۱۴، ص ۱۴-۳، ۱۳۸۷ش.
۱۹. داوری، روح‌اله، درآمدی بر پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم: مطالعه موردی سوره مبارکه ذاریات، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۵ش.
۲۰. ستوده‌نیا، محمدرضا، بررسی تطبیقی میان تجوید و آواشناسی، راین، تهران، ۱۳۷۸ش.
۲۱. السکاکي، محمد بن علی، مفتاح العلوم، الطبعة الاولى بتحقیق اکرم عثمان یوسف، دار الرساله، بغداد، ۱۹۸۱م.
۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
۲۳. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۷ق.
۲۵. زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دار الفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۲۶. طاهرخانی، جواد، بلاغت و فواصل قرآن، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۲۷. طالقانی، سید محمود، تفسیر پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار: چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۱۸ش.
۲۸. طالب‌تاش، عبدالمجید، پژوهشی نو در باب اعجاز قرآن، سرافراز، کرج، ۱۳۹۴ش.
۲۹. طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۱. عبدالقادر، حسن، القرآن و الصور البلیانیه، بی نا، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۳۲. فخر رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۳۳. فلاح، ابراهیم و همکار، کاربرد شناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن (تحلیل موردی سوره مرسلات)، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال دوم، شماره اول، دانشگاه لرستان، ص ۶۳ تا ۷۴، ۱۳۹۴ش.
۳۴. قطب، سید، فی ظلال القرآن، دارالشروق، الطبعة السابعة، القاهرة، ۱۴۱۲ق.
۳۵. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، قم، ۱۳۷۵ق.
۳۶. لسانی، محمد علی، سوره‌شناسی، ناشر: نصایح، قم، ۱۳۹۴ش.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.
۳۹. مصلائی پور یزدی، عباس و همکار، تنوع و نوع آوری در بیان داستان محاجه حضرت ابراهیم با آذر و قومش در قرآن کریم، صحیفه مبین، زمستان و بهار ۱۳۸۸-۱۳۸۷، شماره ۴۴، ص ۴۵ تا ۶۵، ۱۳۸۸ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۴۱. محمد قاسمی، حمید، جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷ش.
۴۲. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر مراغی، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۱۳۷۱ق.
۴۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۴ش.
۴۴. میر، مستنصر، پیوستگی سوره تحولی در تفسیر قرآن در قرن بیستم، آینه پژوهش، محمدحسن محمدی مظفر، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، ص ۴۴۵-۴۳۸، ۱۳۸۶ش.
۴۵. ناظمیان، هومن، پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره تکویر، مجله زبان و ادبیات عرب، شماره ۲۷، ص ۹۷ تا ۱۱۵، ۱۳۹۱ش.
۴۶. الهاشمی، احمد، جواهر البلاغه فی المعنی و البیان و البدیع، الطبعة السابعة، قم، ۱۴۱۷ق.
۴۷. یارمحمدی، لطف‌الله، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، ناشر: هرمس، تهران، ۱۳۸۳ش.